

فرمانده مردمی

«محمود عرفات الخواجه» در سال ۱۹۶۰ میلادی در اردوگاه الشاطی در خانواده‌ای مجاهد متولد شد. ریشه خانوادگی او به روستای «حمامه» در منطقه غزه بازمی‌گردد. خانواده او در سال ۱۹۴۸ میلادی از روستای حمامه مهاجرت کردند و در اردوگاه ساحلی ساکن شدند و مانند همه خانواده‌های مهاجری که سرزمین‌های شان توسط صهیونیست‌ها غارت شد، زندگی پر از درد و رنجی داشتند. وی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در مدارس آنروا و تحصیلات متوسطه را در مدرسه متوسطه فلسطین به پایان رساند. سپس تحصیلات دانشگاهی‌اش را در دانشگاه اسلامی غزه گذراند و مدرک کارشناسی گرفت. بعد از آن تحصیلات تکمیلی‌اش را در همان دانشگاه ادامه داد و موفق به دریافت «دیپلم آموزش عمومی» شد.

عملیات‌های شهادت‌طلبانه مجاهدین مسلمان در صحنه فلسطین بود که در آن زمان هرازچندگاهی شدت می‌گرفت و دولت خودگردان، به جای حمایت از مردم فلسطین، آن‌ها را بازداشت می‌کرد.

قلبی که برای مردم می‌تپید

شهید محمود به اردوگاه محل زندگی‌اش عشق می‌ورزید. همواره به فکر اردوگاه و مردمش بود و کمتر کسی است که او را در زمان حیاتش نشناخته باشد. طلبه‌های مساجد آن مناطق نیز او را می‌شناختند. شهید بدون توجه به گرایش‌های سیاسی با بسیاری از مردم خود ارتباط گسترده‌ای داشت. وی همیشه مشتاق این بود که در اردوگاهش نوعی هماهنگی و اتحاد بین گروه‌های فعال در صحنه حاکم باشد؛ از این رو در جریان قیام چندین بار در کمیته‌های اصلاحات و حل و فصل اختلافات بین جناح‌ها شرکت کرد. خیزش علیه بی‌عدالتی زمانی بود که یک شرکت اقتصادی، ۲۵ نفر از کارگران خود را اخراج کرد. او در دفاع از حق آن‌ها پیش قدم شد و به تلاش ادامه داد تا به لطف خدا همه آن‌ها به سر کار بازگشتند.

ورزش، انگیزه‌ساز موفقیت

محمود علاوه بر آمادگی نظامی، به عشق به ورزش بدن‌سازی و ورزش‌برداری شهرت داشت و به دلیل وابستگی شدیدی که به این ورزش داشت، مشتاق به‌دست‌آوردن لوازم آن بود. او خود، برای تربیت جوانان در میان مردم فلسطین سالن ورزشی افتتاح کرد. خودش هم همواره تمرین می‌کرد و به‌صورت منظم کارش را ادامه می‌داد و بسیاری از جوانان اردوگاه‌نشین را هم به این ورزش‌ها جذب کرد تا بتوانند زندگی سالم‌تری داشته باشند.

محمود الخواجه، معمار یگان‌های

نظامی

در بین گروه‌های جهادی فلسطین از محمود الخواجه به‌عنوان معمار فعالیت‌های نظامی

انگیزه جابه‌جا کردن کوه

مبارزه با یهودیان متجاوز، به هر جوان فلسطینی انگیزه جابه‌جا کردن کوه را می‌داد. محمود هم این انگیزه را داشت. شهید محمود پس از شهادت عموی خود به دست صهیونیست‌های قاتل، همواره خود را بر قله‌های سرافرازی می‌دید و سعی می‌کرد با شجاعت و سرکش در جامعه ظاهر شود؛ بنابراین این حادثه یکی از اولین انگیزه‌های روحی وی برای نبرد با صهیونیست‌ها و اشغالگران بود.

جهادی به وسعت ایمان الهی

با ظهور اندیشه‌های جهادی و انقلابی در نوار غزه به رهبری متفکر اسلامی شهید دکتر فتحی الشقاقی، شهید محمود از اولین کسانی بود که به آن اندیشه‌ها ایمان آورد و با آن رویکردهای جهادی آمیخته و عجین شد. محمود یکی از اعضای برجسته جنبش جهاد اسلامی و گروه اسلامی دانش‌گاه شد و به ریاست تشکل مستقل دانشجویی در دانشگاه اسلامی غزه و همچنین مسئولیت جهاد اسلامی در اردوگاه ساحلی منصوب شد. او یکی از فعالان برجسته در مساجد اردوگاه به‌ویژه مسجد سفید بود.

نبرد، میدان و زندان نمی‌شناسد

برای محمود، میدان یا زندان فرق نمی‌کرد و همیشه در حال نبرد بود. شهید الخواجه یکی از اولین بازداشت‌شدگان سال ۱۹۸۳ میلادی بود که به پنج ماه حبس محکوم شد و پیش از آن نیز به اتهام آتش‌زدن پرچم رژیم غاصب صهیونیستی و آمریکای جنایت‌کار، در دانشگاه اسلامی غزه به مدت یک‌ماه به‌همراه دیگر دوستانش بازداشت شده بود.

بازداشت‌هایی که تمامی ندارد

شهید محمود الخواجه در سال ۱۹۸۵ میلادی برای سومین بار توسط رژیم صهیونیستی دستگیر شد. او که حالا برای خودش اسم و رسمی در بین جوانان مقاومت داشت، به‌اتهام نگهداری اسلحه به چهار سال زندان محکوم شد و پدرش نیز در همین پرونده به مدت شش ماه بازداشت شد. بعد از این بود که شهید محمود برای چهارمین بار، چند روز دستگیر شد و پس از آن هم در سال ۱۹۹۳ میلادی دو بار توسط مقامات اداری دولت خودگردان بازداشت شد! این دستگیری‌ها از جمله تبعات

محمود یکی از اعضای برجسته جنبش جهاد اسلامی و گروه اسلامی دانش‌گاه شد و به ریاست تشکل مستقل دانشجویی در دانشگاه اسلامی غزه و همچنین مسئولیت جهاد اسلامی در اردوگاه ساحلی منصوب شد. او یکی از فعالان برجسته در مساجد اردوگاه به‌ویژه مسجد سفید بود

